

دیگران چه گفته‌اند؟

محمد حسین گودرزی (آرت تاکس): «درمانگر» اثری به شدت پیش‌رو است. از هر نظر جلوتر از هر دیفانش قرار می‌گیرد. اولین سطحی که سریال را مدعی تازه‌طلبی می‌کند، مدت زمان هر اپیزود است؛ اپیزودهایی حدوداً هفت دقیقه‌ای. تعداد کمی آثار فرنگی می‌شناسیم با این رویکرد تازه به‌قصه، اما در سریال‌سازی خودمان، احتمالاً بی‌سابقه است. این که این شیوه قصه‌گویی پنج‌قسمتی - که سرجمع به مدت زمان یک فیلم سینمایی هم نمی‌رسد - چه ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی در روایت دارد، بماند برای فرصت و بحثی دیگر. چنین اثر متمایزی، هوای تازه‌ای است در پرتغوی یک پلتفرم؛ آن هم در این روزها که همه چیز همه آثار دارد به هم شبیه می‌شود. هیچ بعید نیست آینده از آن این نوع سریال‌ها باشد. عصر جدید، دوره مینی‌مالیسم در تماشای فیلم است. همه چیز از پرده‌های عریض و طولیل نمایش فیلم، رسیده به نمایشگرها و موبایل‌های جیبی. قابل حدس است که این مینی‌مالیسم، دیر یا زود گریبان مدت زمان آثار را هم می‌گیرد و پلتفرم‌هایی روی کار می‌آیند که متخصص پر کردن اوقات کوتاه و خالی در زندگی امروز باشند.

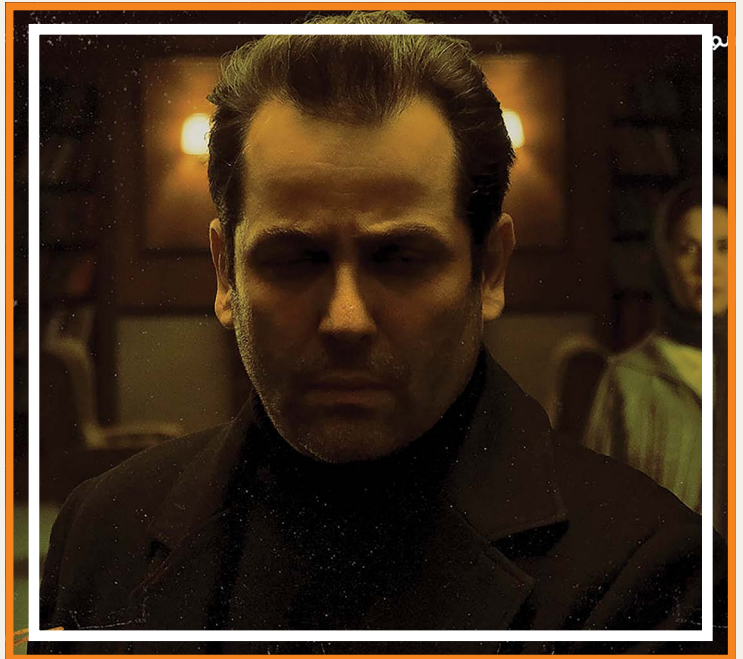
افشین علیار (روزنامه جوان): به نظر می‌آید «درمانگر» شکل قابل توجهی دارد، نه متن مناسبی که بتواند مخاطب را غافلگیر کند، یعنی ما با اثری طرفیم که زیبایی دارد، اما نمی‌تواند جذب کند! علت این عدم گیرایی در متن است. فیلمساز آن قدر درگیر اجرا بوده که نتوانسته به فرم برسد، چرا که خاستگاه «درمانگر» رسیدن از متن به فرم است، اما حسین پور با اجرا و شکل محیطی سعی داشته بسترسازی فرمیک انجام بدهد که موفق نبوده است. در ساختن این گونه از داستان‌های روانشناسانه باید توجه بسیار به ایجاد شخصیت‌ها داشت، یعنی شخصیت‌ها به درستی معرفی شوند و شناسنامه قابل قبولی داشته باشند، اما در «درمانگر» نه باران کیان فر برای مخاطب شخصیت می‌شود و نه اتابک مسعودی به عنوان یک روانپزشک که احتمالاً شخصیت اول این سریال است و سریال با او ادامه می‌دهد. شکل‌گیری فضا یا دیالوگ‌نویسی نمی‌تواند شخصیت به مخاطب بدهد. همچنان سریال تا قسمت چهارم لنگ می‌زند و دیالوگ‌های بین کیان فر و روانپزشک ربطی به مخاطب پیدا نمی‌کند. سردرگمی که در روایت به بار آورده، بی‌توجهی به این است که باید مخاطب را در چنین سریال‌هایی در همان قسمت اول درگیر کرد، اما حسین پور در «درمانگر» بیشتر سرگرم عناصر سایکودرام است، این عناصر به ایجاد شکل‌گیری فضا ربطی ندارند، به‌طور مثال طراحی صحنه، بازی با نور، دوربین و چیدمان صحنه نمی‌تواند به ما فیلم سایکودرام بدهد.

نظر عوامل

امین حسین پور (کارگردان): نمی‌دانم که این اولین سریال اپیزود کوتاه در ایران است یا خیر ولی شاید بتوان گفت اولین سریال اپیزود کوتاه در ایران است که دیده شده و با استقبال مخاطبان همراه شده است. پیش از این در پلتفرم‌های دنیا ساخت سریال‌هایی در فضایی اپیزودیک و کوتاه مرسوم بوده و مورد استقبال مخاطبان هم قرار گرفته و جواب گرفته است. با این حال با وجود آن که در ایران هنوز این نوع سریال‌سازی مرسوم نیست، ما تصمیم گرفتیم که این سریال را کوتاه و اپیزودیک بسازیم. برای انتخاب شخصیت درمانگر، بیشتر دنبال این بودیم که کاراکتری باشد که به شخصیت ما بخورد، به لحاظ مود رفتاری، صدای بم در بیان دیالوگ‌ها و... می‌خواستیم بازیگری باشد که علاوه بر هماهنگی فیس و صورتش با این کاراکتر از پس بازی هم به خوبی برآید که در نهایت سراغ بانپیل شومون رفتیم. سارا بهرامی هم به علت ویژگی خاصی که در صورتش دارد و بت بودن چهره‌اش که بافضای رازآلود قصه ما هماهنگی داشت، نظر ما را جلب کرد.

چهره شاخص

بی‌شک چهره‌های شاخص سریال کوتاه «درمانگر» را دو بازیگر نقش اصلی آن یعنی سارا بهرامی و بانپیل شومون تشکیل می‌دهند. بازیگرانی که در برقراری دیالوگ با یکدیگر موفق عمل می‌کنند. چرا که دیالوگ در این سریال مهم‌ترین عنصر پیش‌برنده داستان است.



کوتاه و حساب‌شده

درمانگر (امین حسین پور)

«درمانگر» یکی از تولیدات اخیر فیلمیوم است که در قالب یک مینی‌سریال کوتاه ۵ قسمتی عرضه شده است. هر پنج قسمت سریال «درمانگر» به کارگردانی امین حسین پور و تهیه‌کنندگی احسان ظلی‌پور، در یک اقدام نوآورانه از سوی سازندگان، در یک روز پخش شد. امین حسین پور پیش از این، فیلم کوتاه «جعبه» را ساخته بود. از بازیگران سریال «درمانگر» می‌توان به بانپیل شومون، سارا بهرامی، امیررضا دلاوری، مهدی حسینی و نینا صمدی اشاره کرد. داستان قسمت‌های ده دقیقه‌ای «درمانگر» مربوط به دکتر روانپزشکی به نام اتابک مسعودی (بانپیل شومون) است که به درخواست یکی از بیماران، باران کیان فر (سارا بهرامی) به دیدار او می‌رود و در خصوص ماجرای در خصوص همسر باران به او یاری می‌دهد.

نظر شخصی

وقتی مدت زمان یک سریال کاهش پیدا می‌کند تا جایی که به هر قسمت تنها ده دقیقه فرصت داده می‌شود، به این معنی است که سازندگان در حال خطر کردن هستند. اما چرا از کلمه خطر استفاده می‌کنیم؟ به این علت که اگر سریال بخواهد طبق اصول استاندارد پیش برود و در هر قسمت از یک شروع، میانه و پایان برخوردار باشد، به این دلیل که باید موجز و حساب‌شده قصه بگوید، همزمان که امکان موفقیت‌ناش وجود دارد به همان اندازه امکان شکست‌ناش نیز فراهم است. چنین سریالی، زمانی برای اضافه‌گویی ندارد و برای این که در یک مجموعه خودبسنده به بستر مناسبی دست پیدا کند باید به این موضوع توجه داشته باشد که با کوچک‌ترین اشتباه، کلیت کارش زیر سوال خواهد رفت چرا که مخاطب تمرکز کاملی بر روی چگونگی روایت دارد. بدین اعتبار «درمانگر» روی لبه تیغ راه می‌رود و از امتحان خود سربلند بیرون می‌آید. نویسندگان «درمانگر» پایان هر قسمت را طوری ترتیب می‌دهند که یک سؤال تازه برای مخاطب به وجود بیاید و به این سؤال در قسمت میانی یک پاسخ موقت داده می‌شود و سرانجام در قسمت پایانی سرنوشت همه چیز به شکلی دقیق مشخص می‌شود. بنابراین در پایان، مخاطب هم از تماشای چنین اثری که سرگرم‌اش کرده ناراضی نیست. اما نقطه قوت «درمانگر» تنها به روایت‌اش محدود نیست. در تصویر نیز ذوق کارگردان در صحنه‌پردازی به شیوه‌تریلرهای روانشناختی به چشم می‌خورد. این تصاویر وقتی با موسیقی متن همراه می‌شوند حسی از رازآلود بودن و ابهام در سرنوشت داستان را القا می‌کنند. تیتراژ سریال نیز نوآورانه است، تیتراژی متشکل از بخش‌های مهم و حساس سریال که مخاطب را مشتاق به تماشای آن کند. در خصوص بازی بازیگران نیز باید به دو شخصیت اصلی یعنی سارا بهرامی و بانپیل شومون اشاره کرد که به دلیل تجربه بازی‌ای که پیش‌تر در سریال «گرگدن» پیش‌روی هم داشته‌اند، موفق شده‌اند به شیمی مناسبی دست یابند.